

تحلیل تماتیک موضع گیری‌های مقامات پولی در بحران‌های ارزی: دلالت‌های شناختی در شکل گیری انتظارات

سید علی سبحانی ثابت، مهدی صادقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست چهارم، شماره ۹۰، بهار ۱۴۰۰

چکیده

مدیریت انتظارات تورمی یکی از مهم‌ترین وظایف بانک‌های مرکزی است که از طریق مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌های مقامات پولی انجام می‌شود. مقامات پولی با بهره‌گیری از ابزار رسانه و ارتباطات با ارائه تصویری از آینده اقتصاد کلان کشور به انتظارات فعالان اقتصادی جهت‌دهی می‌کنند. بدیهی است که هرچه شهرت و اعتبار مقام پولی در نزد افکار عمومی بالاتر باشد فعالان اقتصادی تصویر ارائه‌شده توسط مقامات پولی از آینده را قابل‌باورتر و دارای قابلیت اتکای بیشتری می‌بینند. در کشور ما لنگر اسمی نرخ ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر انتظارات تورمی شناخته می‌شود. با بروز بحران‌های ارزی اخیر، نقش بانک مرکزی در مدیریت انتظارات درباره آینده اقتصادی کشور بیش‌ازپیش آشکار شد. در این پژوهش ضمن معرفی ادبیات شهرت مقام پولی و نقش آن در شکل‌دهی انتظارات عوامل اقتصادی، با استفاده از تحلیل تماتیک، موضع‌گیری‌های مقامات پولی کشور یعنی رؤسای بانک مرکزی در دوره بحران ارزی ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷، موردبررسی قرار گرفته و بر مبنای نظریه اقتصادی مقولات اصلی آن استخراج شده است. بر اساس نتایج این پژوهش مقولات اصلی در هردو بحران تکرار شده و در برخی موارد تصویر درستی از آینده اقتصاد کشور ارائه نداده است. این امر در آینده سبب خواهد شد که عوامل اقتصادی بر اساس قواعد ذهنی ایجادشده از دو بحران اخیر، اعتماد خود به مقامات پولی را از دست داده و درنهایت شهرت مقام پولی در ایران دچار خدشه شود.

واژگان کلیدی:

انتظارات تورمی، شهرت مقام پولی، اقتصاد شناختی، تحلیل تماتیک.

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق(ع) تهران، ایران alisobhanisabet@gmail.com

۲- (نویسنده مسئول) دانشیار دانشگاه امام صادق(ع) تهران، ایران shahdani@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

انتظارات تورمی را می توان یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر شکل گیری و گسترش تورم در ساختار اقتصاد کلان کشور دانست که کنترل آن نه تنها می تواند به کنترل و مهار تورم بیانجامد بلکه در شرایط بحرانی می تواند تا حد زیادی از ناپایداری اقتصاد کلان و اختلالات در نظام مالی بکاهد. در وضعیت موجود کشور که نقدینگی با سرعت زیادی در حال افزایش و رکود در اقتصاد حاکم است اختلالات و تکانه های ناگهانی چه از بیرون و چه از درون سازمان اقتصادی می تواند انباره نقدینگی موجود را به سمت بخش های غیر مولد و سفته بازی سرازیر کرده و اثرات زیانباری را بر اقتصاد وارد سازد. تأثیر این نوع اختلالات و تکانه ها با وجود تأثیرات روانی و علائمی که برای شکل دهی انتظارات در ذهن عوامل اقتصادی ارسال می کند می تواند شدت بسیار بیشتری یابد. میشکین (۲۰۱۱) در مقاله خود با عنوان «درس هایی از بحران مالی برای سیاست گذاری پولی» بر این نکته تأکید می کند که مدیریت انتظارات و لنگر کردن آن به یک شاخص اسمی می تواند از گسترش و سرایت بحران تا حد زیادی جلوگیری کند.

شاخص نرخ ارز اسمی یکی از مهم ترین شاخص هایی است که در سال های اخیر توانسته انتظارات تورمی را تحت تأثیر خود قرار دهد، به گونه ای که با تغییرات ناگهانی نرخ ارز در بازارهای معاملاتی، شاخص تورم نیز با فاصله ای کوتاه روند روبه رشد خود را طی می کند. از آنجایی که بانک مرکزی بر طبق قانون پولی و بانکی در کشور تنها متصدی حفظ ارزش پول ملی است، وظیفه مدیریت نوسانات نرخ ارز و مداخله در بازار برای کنترل آن بر عهده این نهاد مهم کشور خواهد بود. با شروع التهابات و نوسانات ارزی معمولاً تقاضای سفته بازی برای این دارایی به شدت افزایش می یابد این افزایش تقاضا از یک سو به دلیل تلاش عوامل اقتصادی برای حفظ قدرت خرید پول خود و از سوی دیگر به دلیل انتظار افزایش بازدهی ارزی با تبدیل دارایی های دیگر به ارز خارجی اتفاق می افتد.

افزایش تقاضا در بازار ارز منجر به افزایش بیشتر قیمت آن شده و التهاب را تشدید می کند. بانک های مرکزی بسته به نوع سیاست ارزی اتخاذ شده در سطح کلان کشور در بازار ارز دخالت می کنند اما در بسیاری از اوقات ورود به بازار ارز به تنهایی نمی تواند التهاب ایجاد شده

¹ Mishkin



را تحت تأثیر قرار دهد بلکه مدیریت فضای روانی و افکار عمومی درباره نرخ ارز است که می‌تواند تأثیر بسزایی بر روند افزایشی نرخ ارز داشته و از التهابات بکاهد. انتظارات کنشگران اقتصادی درباره بازدهی بیشتر ارز خارجی در آینده آن را به یک دارایی جذاب برای یک دوره کوتاه مدت تبدیل می‌کند و بنابراین تقاضا برای آن افزایش می‌یابد. بانک‌های مرکزی در هنگام بروز بحران، تلاش می‌کنند تا این نوع از انتظارات را تعدیل کنند و از شدت افزایش تقاضا و به تبع آن افزایش قیمت ارز جلوگیری نمایند. مدیریت انتظارات تورمی از طریق مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌های مستقیم مقامات پولی و اعلام دستور العمل‌ها و بیانیه‌های بانک‌های مرکزی اتفاق می‌افتد.

این درحالی است که اگر آنچه در موضع‌گیری‌ها و مصاحبه‌های مقامات پولی منعکس می‌شود با آنچه در واقعیت رخ می‌دهد متفاوت باشد، یک پیام صریح و آشکار برای عوامل اقتصادی خواهد داشت که مقامات و سیاست‌گذاران پولی کشور نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند به وعده‌های خود عمل کنند. این امر سبب خواهد شد تا شهرت و اعتبار مقام پولی به شدت کاهش یافته و در نتیجه در دوره‌های بعدی نیز انتظارات مردم در جهت مخالف پیش‌بینی‌ها و وعده‌های مقام پولی حرکت نماید. بنابراین بررسی موضع‌گیری‌های مقامات پولی در بحران‌های ارزی که یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی کشور است با هدف شناسایی الگوها و تم‌های تکرار شونده در آن‌ها و ارائه شواهدی برای تفاوت آن‌ها با واقعیت بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اهمیت چنین پژوهشی در آن است که بررسی تم‌های تکراری به ما نشان می‌دهد که در دو دوره اخیر بحران ارزی از موضع‌گیری‌های مقامات پولی چه درس‌هایی می‌توان آموخت و چه عواملی سبب شده است تا شهرت آن‌ها تحت تأثیر قرار گیرد. این عوامل دلالت‌های واضحی برای شکل‌گیری انتظارات تورمی در آینده دارند که بدون هیچ اغمازی خود را در عرصه اقتصادی کشور آشکار می‌نمایند. این واقعیات در بین عوامل اقتصادی و گفتگوهای آن‌ها بسیار شایع است اما بیان علمی آن را به سختی می‌توان بر عهده الگوهای اقتصاد سنجی متعارف گذاشت چرا که چنین پژوهش‌هایی ظرفیت بررسی‌های دقیق و جزئی رفتار عوامل اثرگذار بر انتظارات را ندارند. بنابراین لازم است تا از روش‌های علوم اجتماعی برای بیان و توضیح آن‌ها استفاده کرد.

در این پژوهش بر آنیم تا با استفاده از روش تحلیل تماتیک ابتدا به بررسی موضع‌گیری‌های مقامات پولی در دو دوره بحران ارزی بپردازیم و سپس با استفاده از نظریه‌های اقتصادی و داده‌های واقعی درباره بازخوردها و اثرات ذهنی این‌گونه موضع‌گیری‌های بحث کنیم. به عبارت دیگر تلاش شده است تا با ارائه نقشه تماتیک سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مقامات



پولی در شش ماه منتهی به افزایش‌های ناگهانی نرخ ارز در کشور بر نقاط مشترک تأکیدات و موضع‌گیری‌ها تمرکز شود و دلالت‌های آن برای شهرت مقام پولی و مدیریت انتظارات تورمی استخراج گردد. در نتیجه پژوهش حاضر رویکردی بین رشته‌ای دارد. از یک سو از روش تحلیل تماتیک به‌عنوان یکی از روش‌های شناخته شده تفسیر متن در علوم اجتماعی بهره می‌گیرد و از سوی دیگر با استفاده از مفهوم قواعد ذهنی که یکی از مفاهیم معتبر در علوم شناختی است تلاش می‌کند تا پدیده انتظارات تورمی و رابطه آن با شهرت مقام پولی را در دانش اقتصاد تبیین نماید.

دو سؤال اصلی که به دنبال پاسخ به آن‌ها هستیم عبارتند از:

مقولات و تم‌های اصلی موضع‌گیری‌های مقامات پولی در بحران‌های ارزی کدامند؟

آیا پیش‌بینی‌ها و وعده‌های مقامات پولی در دوره‌های بحران، تحقق پیدا کرده است؟

لازم به ذکر است که در این پژوهش منظور از مقام پولی مشخصاً رؤسای کل بانک مرکزی یعنی دکتر محمود بهمنی در دوره بحران ۱۳۹۰-۱۳۹۱ و دکتر ولی‌الله سیف در دوره بحران ۱۳۹۷ و البته در یک مورد معاون اول رئیس‌جمهور به‌عنوان مقام رسمی سیاست-گذاری پولی در کشور می‌باشد. پر واضح است که با توجه به هدف اصلی پژوهش یعنی بررسی علمی ساختار متنی موضع‌گیری‌های مقامات پولی در دوره‌های بحران ارزی، اشخاص و نوع وابستگی آن‌ها به جریان‌ات سیاسی و حزبی اساساً مد نظر نبوده و نویسنده به دنبال مباحث سیاسی مربوطه نیست.

بر اساس آنچه گفته شد ترتیب پژوهش حاضر به این صورت است که ابتدا مفاهیم کلیدی تعریف می‌گردد. پس از آن مقولات اصلی موضع‌گیری‌های مقامات پولی بر اساس ادبیات نظری تحلیل و نقشه تماتیک آن ارائه می‌شود و در نهایت نتایج بدست آمده در نسبت با واقعیت محقق شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- مفاهیم

در این قسمت به معرفی سه مفهوم کلیدی مورد نیاز برای تحلیل و استخراج دلالت‌های مرتبط با انتظارات تورمی می‌پردازیم. مفاهیم مورد نظر به بسط نظری نتایج حاصل از تحلیل تماتیک کمک خواهند کرد. این سه مفهوم عبارت‌اند از شهرت مقام پولی^۱، انتظارات و قواعد سرانگشتی ذهنی.^۲

¹ Monetary Authority Reputation

² Mental Heuristics



۱-۲- شهرت مقام پولی

شهرت «حالتی است که بر اساس آن یک بنگاه باور می‌کند که بنگاه خاص دارای ویژگی یا صفتی است» (کابرا^۱، ۲۰۰۵: ۴). بر این اساس، شهرت مبتنی بر باور یک بنگاه به حائز شرایط بودن بنگاه دیگر به صفت یا ویژگی خاص است.

در عرصه اقتصاد پولی، شهرت مقام پولی باور بنگاه‌های اقتصادی به مقام پولی در تحقق هدف تورمی یا کاهش اریب تورمی ایجادشده از تورم هدف‌گذاری شده است (لوئسل^۲، ۲۰۰۸: ۳۷۲۰). مقام پولی در راستای کنترل تورم، در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، یا حتی بلندمدت به تعیین هدف تورمی اقدام می‌کند. هر قدر اریب تورم محقق شده از تورم هدف‌گذاری شده بیشتر شود، شهرت مقام پولی رو به زوال می‌رود.

به این ترتیب می‌توان گفت که شهرت مقام پولی در کنترل تورم، بدین معناست که بنگاه‌های اقتصادی باور دارند که مقام پولی ویژگی‌های لازم را برای کنترل تورم داراست. این ویژگی باعث افزایش اعتماد و مدیریت انتظارات تورمی می‌شود (کابرا^۱، ۲۰۰۵: ۴). در واقع، اعتماد عوامل یا کارگزاران اقتصادی به مقام پولی در کنترل تورم اگر بر گرفته از شهرت باشد، باعث می‌شود که انتظارات تورمی از سیاست‌های آتی مقام پولی به برآوردهای مبتنی بر قول مقام پولی نزدیک شود. در نقطه مقابل، کاهش شهرت مقام پولی باعث می‌شود که انتظارات تورمی بنگاه‌های اقتصادی از سیاست‌های آتی اقتصادی متمایز از برآوردهای پیش‌بینی‌های مقام پولی از تورم آتی شود. به‌عنوان مثال اگر مقام پولی در یک دوره قول بدهد که در دوره بعدی تورم موجود را کاهش می‌دهد، انتظارات تورمی بنگاه‌های اقتصادی برای دوره بعدی به سه حالت شکل خواهد گرفت: در حالت اول، بنگاه‌ها انتظارات تورمی را برابر با تورم وعده داده شده، در حالت دوم بیشتر، و در حالت سوم کمتر از آن برآورد می‌کنند. اگر مقام پولی نزد بنگاه‌ها شهرت داشته باشد، بنگاه‌ها اعتماد می‌کنند و انتظار دارند که تورم به همان میزان وعده داده شده توسط مقام پولی و یا حتی کمتر از آن تحقق یابد. اما اگر به دلیل کاهش شهرت مقام پولی (عدم تحقق قول‌های مقام پولی در کنترل تورم) اعتماد بنگاه‌ها کاهش یافته باشد، انتظارات تورمی را بیش از مقدار هدف‌گذاری شده تعیین می‌کنند (باستانی‌فر، ۱۳۹۴، ۵).

¹ Cabral

² Loisel



به‌کارگیری راهکار شهرت مقامی پولی نخستین بار توسط برو و گوردن (۱۹۸۳) مطرح شد. این محققان، در ادامه مطالعه کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) به‌جای راهکار قاعده سیاست پولی، به‌منزله راهکاری علمی که مانع بروز پدیده ناسازگاری زمانی در اقتصاد می‌شود، راهکار «شهرت» را معرفی کردند. به‌عبارت دیگر کار برو و گوردون، بیان دیگری از به‌کارگیری نظریه ناسازگاری زمانی در اقتصاد پولی است. بر اساس این نظریه، تصمیم‌های بنگاه‌های اقتصادی در زمان T برای اجرا در زمان $T+1$ ، با آنچه در زمان $T+1$ اجرا می‌شود، به دلیل تغییر در ترجیحات بنگاه‌ها یکسان نیست. کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷)، با طراحی یک الگوی دوبخشی میان مقام پولی و بنگاه‌ها، نشان داده بودند که اگر مقام پولی از سیاست‌های پولی مصلحت‌گرایانه استفاده کند، دچار ناسازگاری زمانی در عرصه سیاست‌های پولی می‌شود؛ یعنی به آنچه در زمان T برای اجرا در زمان $T+1$ هدف‌گذاری کرده بود نمی‌رسد. با معرفی نظریه ناسازگاری زمانی طیف جدیدی از مطالعات اقتصاد پولی در اقتصاد بروز نمود و از این نظریه به‌عنوان یکی از دلایل اهدای جایزه نوبل اقتصادی سال ۲۰۰۴ به کیدلند و پرسکات نام برده شده است (تابلینی، ۲۰۰۵: ۲۰۴ - ۲۱۰).

در چارچوب نظریه انتظارات عقلایی^۱، زمانی که مقام پولی در زمان T نرخ تورم را برای دوره $T+1$ اعلام می‌کند، بنگاه‌های اقتصادی هر گونه تصمیم‌گیری جهت اجرا در زمان $T+1$ ، که به تصمیم‌گیری در زمان T نیاز داشته باشد، مانند تصمیم به تولید، خرید نهاده‌ها، تنظیم قراردادهای دستمزد کارگران، و غیره را بر اساس اطلاعات مقام پولی تنظیم می‌کنند. یعنی تصمیم‌گیری برای آینده (مثلاً زمان $T+1$) متأثر از قول و بیان مقام پولی در زمان T است (برو و گوردون، ۱۹۸۳، ص ۱۴). هر قدر مقام پولی مشهورتر باشد، اعتماد بنگاه‌های اقتصاد به قول مقام پولی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و مقام پولی نقش مؤثری در کنترل تصمیم‌ها و رفتار بنگاه‌های اقتصادی خواهد داشت. هر چه شهرت مقام پولی کمتر باشد، عدم اطمینان در تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی بیشتر می‌شود (همان). شرایط عدم اطمینان امکان دستیابی به تعادل‌های اقتصادی و احتمال انجام مبادله را کاهش می‌دهد. در صورتی که در شرایط ریسک امکان دستیابی به تعادل‌های اقتصادی و انجام مبادلات با درصد کمی از خطا پیش‌بینی پذیر است. عدم تحقق هدف تورمی و ایجاد اریب بین آنچه مقامات پولی وعده می‌دهند و تورم تحقق یافته به کاهش شهرت مقام پولی منجر می‌شود.

¹ Rational Expectation



بنابراین، کاهش شهرت مقام پولی باعث افزایش نااطمینانی در جامعه و به تبع آن انتظارات تورمی و در نهایت، افزایش تورم در دوره‌های آتی می‌شود (باستانی فر، ۱۳۹۴، ص ۳).

مقام پولی خوش نام یا مشهور باعث افزایش اعتماد جامعه به سیاست‌های آتی پولی در کنترل تورم و کاهش انتظارات تورمی در جامعه می‌شود. اما شهرت مقام پولی، به ویژه در زمانی که مقام پولی مستقل نباشد، از شرایط اقتصادی و ساختار تأمین مالی دولت و سیاست‌گذاری‌های دولت در کاهش بیکاری متأثر می‌شود. در صورتی که دولت در تأمین منابع مالی دچار کسری باشد یا در صدد کاهش میزان بیکاری در ازای معاوضه با تورم بیشتر باشد، تمایل به استقراض از مقام پولی و اعمال سیاست مالیه تورمی افزایش می‌یابد. بنابراین، فشار دولت به مقام پولی برای اعمال سیاست‌های پولی انبساطی در زمان T باعث می‌شود که مقام پولی به تحقق هدف تورمی معین شده در زمان $T+1$ نرسد و میان تورم هدف‌گذاری شده با تورم مشاهده شده اریب معناداری احساس شود. پس، مقام پولی، از یک سو، باید با حفظ شهرت خود باعث کنترل انتظارات تورمی و تورم شود و از سوی دیگر، با کاهش شهرت و افزایش تورم باید در جهت اعمال منافع دولت گام بردارد (برو و گوردن، ۱۹۸۳: ۱۰۳ - ۱۰۴).

در اقتصاد ایران علاوه بر تورم هدف‌گذاری شده توسط بانک مرکزی که معمولاً براساس قوانین برنامه‌های توسعه تعیین می‌شود، عوامل دیگری نیز در شکل‌گیری انتظارات تورمی مؤثر هستند. یکی از مهم‌ترین این عوامل که به نوعی می‌توان گفت که در سال‌های گذشته عامل اصلی بروز تورم و انتظارات تورمی در اقتصاد ایران بوده، لنگر اسمی نرخ ارز است. به این معنا که کنش‌گران اقتصادی در ایران، انتظارات تورمی خود را مبتنی بر نرخ ارز اسمی تعدیل کرده و متناسب با آن تصمیم می‌گیرند.

به این ترتیب از آنجایی که مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است، مدیریت و کنترل نوسانات نرخ ارز نیز بر عهده بانک مرکزی می‌باشد و وعده‌ها و پیش‌بینی‌های مقامات پولی درباره نرخ ارز به انتظارات تورمی آینده شکل خواهد داد. بنابراین شهرت مقام پولی در هدف‌گذاری، تعیین و پیش‌بینی نرخ ارز نیز مصداق و معنا می‌یابد.



۱-۳- انتظارات

در ادبیات اقتصاد متعارف دو دیدگاه متفاوت درباره انتظارات وجود دارد که دلالت‌های نظری متفاوتی ایجاد می‌کنند. این دو دیدگاه عبارتند از انتظارات تطبیقی^۱ و انتظارات عقلایی^۲، که در ادامه به طور خلاصه آنها را مرور می‌کنیم.

انتظارات تطبیقی اولین بار توسط کاگان^۳ (۱۹۵۶)، طرح و معرفی شد. مدل وی برگرفته از مدل‌های خطی تفاضلی مرتبه اول بود. ایده اصلی انتظارات تطبیقی ساده است: شخص انتظارات خود در هر دوره زمانی در مورد هر متغیر اقتصادی مانند تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و مانند آن را با توجه به تفاوت میان مقدار واقعی آن متغیر در دوره گذشته و آنچه که در مورد آن انتظار داشت، تغییر خواهد داد؛ فرد این تغییر در انتظاراتش را با جبران بخشی از این تفاوت میان مقدار واقعی متغیر و مقدار انتظاری آن در دوره گذشته با استفاده از یک ضریب، شکل می‌دهد. به عبارت دیگر انتظارات به مرور زمان و با توجه به تغییرات مقدار واقعی متغیرها، تغییر نموده و خطاها در برآورد و پیش‌بینی متغیرها به صورت مستمر و البته تدریجی و گام به گام اصلاح می‌گردد (کاگان، ۱۹۵۶، ص ۳). بنابراین افراد انتظارات خود را در دوره جاری از مقدار یک متغیر در صورتی افزایش خواهند داد که مقدار واقعی آن متغیر از مقدار انتظاری آن در دوره گذشته، بیشتر باشد و در صورتی آن را کاهش خواهند داد که مقدار واقعی متغیر از مقدار انتظاری آن در دوره گذشته کمتر باشد؛ البته میزان تصحیح خطا به معنای میزان تغییر انتظارات در واکنش به تفاوت میان مقدار واقعی و انتظاری یک متغیر در دوره گذشته به سرعت تعدیل یا همان ضریب انتظارات بستگی دارد.

با وجود پیشرفت‌هایی که کاربست فرضیه انتظارات تطبیقی در نظریه اقتصاد کلان ایجاد کرد، این فرضیه به دلیل وجود خطای سیستماتیک^۴ در شکل‌گیری انتظارات، از لحاظ نظری چندان جذاب نبود. کلاسیک‌های جدید تلاش کردند تا با طرح فرضیه انتظارات عقلایی تا حدی این مشکل را برطرف کنند.

¹ Adaptive Expectations

² Rational Expectations

³ Cagan

⁴ Systematic Error



میوث^۱ (۱۹۶۱) اولین کسی بود که انتظارات عقلایی را درباره عوامل اقتصادی مفروض گرفت. وی انتظارات عقلایی را با استفاده از تمام اطلاعات در دسترس و بهره‌گیری از یک روش بهینه و بر پایه و چارچوب اقتصاد خرد مطرح کرد. وی در مقاله اولیه خود اظهار می‌دارد که از آنجایی که انتظارات، پیش‌بینی وقایع آینده هستند، الزاما با پیش‌بینی‌های نظریه‌های اقتصادی مربوطه، یکسان می‌باشند (میوث، ۱۹۶۱، ص ۳). مقاله میوث، به لحاظ فنی بسیار پیچیده بود و ایده اساسی او، ابتدا توسط اقتصاددانان دیگر مورد پذیرش قرار نگرفت اما پس از ده سال لوکاس و سارجنت در مدل‌های اقتصاد کلان آن را به کار گرفتند (گرچی و مدنی، ۱۳۸۴، ۲۶۳-۲۶۰). بر اساس نظریه انتظارات عقلایی عوامل اقتصادی خطاهای سیستماتیک در پیش‌بینی‌های خود ندارند و تنها انحرافی که از متغیرهای تحقق یافته وجود خواهد داشت، خطاهای تصادفی است که بعد از شکل‌گیری انتظارات به وجود می‌آید (لوکاس و پرسکات،^۲ ۱۹۷۱، ص ۲).

فروض ایده‌آل انتظارات عقلایی باعث شده است تا بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی آن را مورد انتقاد قرار دهند. اقتصاد شناختی یکی از رویکردهایی است که این نوع عقلانیت و فروض آن را به چالش می‌کشد. انتظارات بر اساس نگاه اقتصاد شناختی اینگونه تعریف می‌شود: «بازنمایی ذهنی آنچه در آینده رخ خواهد داد» (بابیک و شوبوتز،^۳ ۲۰۱۰، ص ۴). این تعریف چند نکته اساسی در درون خود دارد که دست پژوهشگر در حوزه اقتصادشناختی را باز می‌گذارد. اول آنکه انتظارات در این تعریف با مفهوم بازنمایی گره می‌خورد و کاملا آن را ذهنی می‌کند. بازنمایی حالتی است که صورتی در ذهن تداعی می‌شود، این صورت ممکن است مبتنی بر واقعیت یا غیر آن باشد و در نتیجه قواعد ذهنی می‌توانند در آن اثر داشته باشند. نکته دیگری که در این تعریف حائز اهمیت است، وابستگی به وضعیت است. یعنی انتظارات وضعیتی از جهان واقع را در ذهن تداعی می‌کند که در آینده رخ خواهد داد. (قواعد سرانگشتی ذهنی

قواعد سرانگشتی زیر مجموعه‌ای از طرحواره‌های ذهنی^۴ درباره یک موضوع خاص است. این قواعد به ذهن کمک می‌کند تا درباره یک موضوع خاص سریع‌تر به نتیجه برسد. البته چون

¹ Muth

² Lucas and Prescott

³ Bubic and Schubotz

⁴ Mental Schema



این قواعد تحت تأثیر طرحواره‌های ذهنی است، لزوماً این نتایج دقیق‌ترین و صحیح‌ترین نتایج نیستند. قواعد سرانگشتی را می‌توان قواعدی دانست که درباره وضعیت‌های مشخص و آشنا برای ذهن فرد یک نتیجه سراسر و مشخص دارند (کاهنمن و دیگران، ۱۹۸۳، ص ۳). به‌عنوان مثال گزاره «اگر نرخ ارز افزایش یابد همه چیز گران می‌شود» می‌تواند یک قاعده سرانگشتی برای پیش‌بینی تورم در ذهن بسیاری از افراد جامعه ایرانی باشد. ممکن است این نتیجه لزوماً درست نباشد اما یک دلالت عملیاتی مشخص و سراسر برای فرد دارد که بدون در نظر گرفتن عوامل دیگر و تنها با شناسایی یک محرک نتایج آن را در رفتار خود منعکس می‌نماید. بنابراین قواعد سرانگشتی قواعدی هستند که ذهن می‌تواند به صورت خودکار از آن‌ها برای بازنمایی استفاده کرده و از فرایندهای پیچیده تفکر صرف نظر یا آنها را کوتاه نماید. باید به این نکته توجه داشت که اگرچه قواعد سرانگشتی مفید هستند اما گاهی اوقات برای وضعیت‌هایی مناسب نیستند چرا که ممکن است لزوماً درست نباشند. اصطلاح «اشتباه هوشمندانه» در علوم شناختی، ناشی از عدم تطبیق درست قواعد سرانگشتی ذهنی با وضعیت‌هاست (ماتلین^۲، ۲۰۱۲، ص ۴۰۹).

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- چارچوب نظری

در زمینه موضوع مورد مطالعه با روش مورد نظر آن پژوهشی انجام نشده است با این حال در ادامه به مرور برخی از جدیدترین مطالعات مربوط به شهرت مقام پولی در داخل و خارج از کشور می‌پردازیم.

گولر (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به بررسی تأثیرات اعتبار سیاست‌های پولی بر انتظارات تورمی پرداخته است. وی برای این منظور، با استفاده از روش‌های رگرسیونی به بررسی داده‌های شش اقتصاد نوظهور (یعنی ترکیه، برزیل، جمهوری چک، شیلی، لهستان و آفریقای جنوبی)، پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اعتبار سیاست پولی تأثیر معنی‌داری بر کاهش انتظارات تورمی داشته و به تقویت اهداف تورم به‌عنوان لنگر انتظارات تورمی کمک می‌کند.

¹ Smart Mistake

² Matlin



مونتز و فریرا^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر شهرت مقامات و سیاست‌های پولی بر ترس از شناوری می‌پردازد. مفهوم ترس از شناور شدن به کشورهایی مربوط می‌شود که راهبرد نرخ ارز ثابت را برای بازار ارز انتخاب می‌کنند و انتظارات تورمی همیشه ترس از این دارد که نرخ ارز دوباره به حالت شناوری بازگردد، آن‌ها بر اساس این استدلال که اعتبار سیاست پولی می‌تواند ترس از شناور شدن را کاهش دهد، این فرضیه را برای مجموعه‌ای از ۴۷ کشور (که ۳۲ کشور در حال توسعه، ۲۶ کشور هدف تورم و ۱۶ کشور هدف تورم در حال توسعه هستند) تحلیل کرده‌اند. براساس روش داده‌های پانل که در نمونه‌های مختلف اعمال شده است، مهم‌ترین نتیجه این مقاله آن است که اعتبار سیاست پولی قادر به کاهش ترس از شناور شدن است. با این حال، این اثر پس از بحران ضعیف‌تر می‌باشد. برآوردهای نویسندگان هم‌چنین نشان می‌دهد که قرار دادن تورم هدف در کشورهای در حال توسعه، ترس شدیدتری از شناور بودن دارند، که ترس از تورم در این کشورها با استفاده از این مفهوم توجیه می‌شود.

هانگ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با استفاده از دو مدل داده‌های تابلویی و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) به بررسی «شهرت مقام پولی و عملکرد سیاست‌های تورم-بیکاری» برای ۶۲ کشور جهان طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۶ پرداخته است. نتایج حاصل از اجرای مدل‌ها نشان می‌دهد که شهرت مقام پولی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تورم است و بانک‌های مرکزی که از شهرت بالاتری برخوردار بوده‌اند طی بیست سال گذشته عملکرد بهتری در کنترل تورم و پایین نگه داشتن سطح آن داشته‌اند.

داگان و بزدمیر^۲ (۲۰۱۴) با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه به بررسی رابطه تأثیر شهرت مقام پولی بر نرخ بهره برای اقتصاد کشور ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۴ پرداخته است. براساس نتایج به‌دست‌آمده شهرت مقام پولی منجر به کاهش تغییرات نرخ بهره به جهت استفاده از ابزارهای سیاست پولی در کنترل تورم می‌شود.

بوردو و سیلکاس^۳ (۲۰۱۴)، با استفاده از روش خود همبسته میانگین متحرک (ARMA) و به تحلیل عوامل مؤثر بر اعتبار بانک مرکزی در قالب مفهوم شهرت نهادی در بانک‌های

¹ Montesa and Ferreira

² Hwang

³ Dogan, and Bozdemir

⁴ Bordo and Siklos



مرکزی ۱۴ کشور دنیا برای داده‌های سری زمانی طی سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۱۴ پرداخته‌اند. براساس نتایج این تحقیق بحران‌های اقتصادی و مالی و عوامل نهادی (مانند کیفیت حکومت دولت) نقش مؤثری در تغییرات اعتبار و شهرت بانک مرکزی داشته است.

مندونکا و سوزا^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین شهرت مقام پولی و تغییرات نرخ بهره در برزیل با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه^۲ طی سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۹ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هرچه شهرت مقام پولی بالاتر باشد، تغییرات در نرخ بهره (با هدف کنترل تورم) کمتر است.

لوئیزل^۳ (۲۰۰۸) با بهره‌گیری از یک مدل آینده‌نگر کینزین جدید به بررسی این سؤال پرداخته است که آیا شهرت بانک مرکزی تواند بر عملکرد سیاست‌های پولی با فرض ناسازگاری زمانی تأثیر بگذارد. براساس نتایج این پژوهش با وجود شهرت مقام پولی می‌توان بر دو عنصر اصلی ناسازگاری زمانی یعنی تورش در تورم و تورش در تثبیت غلبه کرد.

سایبرت^۴ (۲۰۰۳) با گسترش مدل بارو و گوردن (۱۹۸۳) در یک چارچوب بهینه‌سازی اقتصاد کلان تلاش کرده است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا شهرت مقام پولی با وجود تصمیمات مصلحت‌گرایانه کمیته پولی افزایش می‌یابد یا قاعده پولی. وی با استدلال ریاضی نشان می‌دهد که اگر مقام پولی به‌جای اعمال قاعده پولی وزن بیشتری به تصمیم افراد عضو کمیته پولی بدهد، امکان افزایش شهرت مقام پولی وجود دارد ولی اثر آن بر افزایش یا کاهش رفاه جامعه مشخص نیست.

باستانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر شهرت مقام پولی در اقتصاد ایران برای سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ پرداخته است. در این مقاله برای آزمون شهرت مقام پولی از آماره تی استودیانت دوطرفه و برای تحلیل عوامل مؤثر بر آن از الگوی شهرت برو و گوردون با تحلیل رگرسیونی و الگوهای خودهمبسته میانگین متحرک استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقام پولی در این دوره بلند مدت شهرت نداشته است. رشد قیمت نفت با یک وقفه و افزایش تولید ناخالص داخلی و کاهش تغییرات در نرخ بیکاری هر کدام با سه

¹ Mendonça and Souza

² Multiple regression model

³ Loisel

⁴ Sibert



وقفه از عوامل مؤثر در افزایش شهرت مقام پولی و رشد نقدینگی و عدم شهرت در دوره های قبل با دو وقفه از عوامل مؤثر در کاهش شهرت مقام پولی بوده است.

بر این اساس مطالعات انجام شده را می توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول (۱).- خلاصه ای از تحقیقات انجام شده درباره شهرت مقام پولی

نویسندگان(سال پژوهش)	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهمترین یافته ها
گولر (۲۰۲۱)	اعتبار سیاست پولی	حداقل مربعات معمولی	اعتبار سیاست پولی تأثیر معنی داری بر کاهش انتظارات تورمی
مونترز و فریرا (۲۰۲۰)	شهرت مقام پولی و ترس از شناوری	داده های تابلویی	شهرت مقام پولی منجر به کاهش ترس از شناوری می شود
هانگ (۲۰۱۸)	شهرت مقام پولی و عملکرد سیاست های تورم-بیکاری	داده های تابلویی و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)	شهرت مقام پولی یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده تورم است
داگان و بزدمیر (۲۰۱۴)	تأثیر شهرت مقام پولی بر نرخ بهره در ترکیه	رگرسیون چندگانه	شهرت مقام پولی منجر به کاهش تغییرات نرخ بهره می شود.
بوردو و سیلکاس (۲۰۱۴)	عوامل مؤثر بر اعتبار بانک مرکزی در بانک های مرکزی ۱۴ کشور دنیا	خود همبسته میانگین متحرک (ARMA)	بحران های اقتصادی و عوامل نهادی نقش مؤثری در تغییرات اعتبار بانک مرکزی داشته است.
مندونکا و سوزا (۲۰۰۹)	رابطه بین شهرت مقام پولی و تغییرات نرخ بهره	رگرسیون چندگانه	شهرت مقام پولی منجر به کاهش تغییرات نرخ بهره می شود.
لویزل (۲۰۰۸)	آیا شهرت بانک مرکزی تواند بر عملکرد سیاست های پولی با فرض ناسازگاری زمانی تأثیر بگذارد؟	مدل آینده نگر کینزین جدید	شهرت مقام پولی بر عملکرد سیاست پولی با فرض ناسازگاری زمانی اثر مثبت دارد.
سایبرت (۲۰۰۳)	آیا شهرت مقام پولی با وجود تصمیمات	مدل بهینه سازی اقتصاد کلان	اگر مقام پولی به جای اعمال قاعده پولی وزن بیشتری به



تصمیم افراد عضو کمیته پولی بدهد، امکان افزایش شهرت مقام پولی وجود دارد ولی اثر آن بر افزایش یا کاهش رفاه جامعه مشخص نیست.		مصلحت گرایانه کمیته پولی افزایش می‌یابد یا قاعده پولی	
مقام پولی در این دوره شهرت نداشته است. رشد قیمت نفت، افزایش تولید ناخالص داخلی و کاهش تغییرات در نرخ منجر به افزایش شهرت مقام پولی و رشد نقدینگی و عدم شهرت در دوره‌های قبل منجر به کاهش شهرت مقام پولی شده است.	آماره تی استودیانت دوطرفه و الگوهای خودهمبسته میانگین متحرک (ARMA)	شهرت مقام پولی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۸۸-۱۳۵۸)	باستانی (۱۳۹۳)

منبع: یافته‌های نویسندگان

همان‌گونه که مشاهده می‌شود تحقیقات انجام شده در این زمینه به طور عمده مطالعات اقتصادسنجی و با هدف کمی‌سازی مفهوم شهرت مقام پولی بوده است. این مطالعات با استفاده از تعریف شاخص‌هایی برای شهرت مقام پولی به بررسی آن پرداخته‌اند. این در حالی است که در پژوهش حاضر نقش موضع‌گیری‌های مقامات پولی در بحران‌های ارزی ایران با بهره‌گیری از روش تحلیل تماتیک انجام گرفته و با استفاده از داده‌های مربوط به نرخ ارز دلالت‌های شناختی برای شکل‌گیری انتظارات تورمی استخراج می‌گردند.

۳- روش تحقیق

تحلیل تماتیک از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به ویژه مردم‌نگاری است که در سایر رهیافت‌های تحلیلی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. (محمد پور، ۱۳۹۰: ص. ۶۶) تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌ها است. (همان)



به این ترتیب از طریق استقرای تحلیلی و با یک فرایند از جزء به کل، داده‌های متنی در ارتباط با مفاهیم نظری سیاست ارزی و مداخله بانک مرکزی در بازار ارز طبقه‌بندی شده و بر اساس آن‌ها الگوهای مشترک در موضع‌گیری‌های مقامات پولی شناسایی شده است. نحوه طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌های متنی نیز این‌گونه انجام شده است که ابتدا در هر متن عبارات، توضیحات، جملات و اشاراتی را که به نوعی حکایت از تلاش مقامات پولی جهت شکل‌دهی به انتظارات تورمی، تبیین چرایی بروز بحران و سیاست‌های اجرا شده داشت، استخراج شده و سپس بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی شده‌اند و در نهایت بر اساس وجوه مشترک معنایی، عبارات در هر کدام از مقولات گروه‌بندی شده و در یک فرایند سلسله‌مراتبی، تم‌های مرتبط و سپس تم‌های اصلی و در نهایت تم‌های مرکزی شناسایی شده‌اند.

مقولات اصلی موضع‌گیری‌های مقامات پولی

مداخله بانک مرکزی و عرضه ارز

در کشور ما بزرگترین عرضه‌کننده ارز دولت است. بنابراین براساس نظام ارزی که توسط سیاست‌های کلان اقتصادی کشور تعیین می‌شود، دولت و بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز و کنترل آن در بازار ارز مداخله می‌کنند. براساس قانون برنامه پنجم توسعه نظام نرخ ارز در ایران «شناور مدیریت شده» است.^۱ تحت نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده مقامات پولی یک کشور مسؤلیت دخالت در بازارهای ارز را تا تعدیل نوسانات کوتاه مدت بر عهده دارند، بدون آنکه بخواهند روند بلند مدت نرخ ارز را تغییر دهند (سالواتوره، ۱۳۸۹، ص ۲۶۱).

مقامات پولی کشور در بحران‌های پیش آمده تلاش کرده‌اند تا با تمسک به تصریح واژه شناور در قانون به نوعی تغییرات نرخ ارز را به رسمیت بشناسند. این در حالی است که طبق ادبیات اقتصادی بانک‌های مرکزی باید در نوسانات کوتاه مدت در بازار ارز دخالت نمایند.

^۱ Managed Floating Exchange Rate System

^۲ این موضوع براساس مصوبه ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی به قانون دائمی کردن احکام برنامه‌های توسعه الحاق شده است.



باین حال از سوی دیگر با شروع نوسانات و قبل از شدت گرفتن بحران‌های ارزی، شاهد آن هستیم که مقامات پولی فروش ارز بالاتر از نرخ مصوب دولتی را غیر قانونی دانسته و تخطی از آن را مستلزم مجازات‌های قانونی و یا قاچاق می‌دانند.

در همین راستا بهمنی در بهمن ماه ۱۳۹۰ و آغاز نوسانات خارج از کنترل نرخ ارز بیان می‌کند که «از روز شنبه دلار باید با این قیمت معامله شود و خرید و فروش دلار بالاتر از این نرخ غیر قانونی است.»

در بحران ۱۳۹۷ نیز اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور به‌عنوان یک مقام رسمی و دخیل در سیاست پولی کشور اعلام می‌کند که «هیچ نرخ ارزی با قیمت‌های دیگری را به رسمیت نمی‌شناسیم و برای ما هر قیمت ارز غیر رسمی دیگری در بازار از فردا به عنوان قاچاق تلقی خواهد شد. درست مثل قاچاق مواد مخدر که کسی حق خرید و فروش ندارد و با کسی که خرید و فروش می‌کند، برخورد می‌شود، نرخ دیگری هم اگر در بازار شکل بگیرد، دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی برخورد خواهند کرد و آن را به رسمیت نمی‌شناسیم.»^۱ جیره‌بندی ارز

یکی از شیوه‌های مداخله بانک مرکزی جهت کاهش شدت بحران‌های ارزی در کشور جیره‌بندی ارز است. در این شیوه نیازهای ارزی کشور دسته‌بندی و اولویت بندی می‌شوند. معمولاً اولویت اول به واردات کالاهای اساسی و بعد کالاهای واسطه‌ای اختصاص داده می‌شود. علاوه بر این برای تأمین نیازهای ارزی مسافرت‌های خارجی به خصوص برای دانشجویان نیز اولویت‌هایی لحاظ می‌شود. در این نظام جیره‌بندی، ارز به دسته‌های دارای اولویت با نرخ کمتری نسبت به نرخ بازاری ارز - که در دوره بحران با افزایش مواجه شده است - تخصیص داده می‌شود. این شیوه در هر دو بحران مورد نظر ما یعنی در سال‌های ۹۰ و ۹۷ به‌طور گسترده توسط بانک مرکزی و نهادهای مرتبط از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت مورد استفاده قرار گرفت.

معمولاً در این شیوه یک نرخ به‌عنوان نرخ ارز مرجع در نظر گرفته می‌شود و نرخ‌های دیگر متناسب با آن تعیین می‌گردد. به‌عنوان مثال ارز واردات کالاهای اساسی که در اولویت اول

^۱ خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۷/۱/۳۰



قرار می‌گیرند با نرخ ارز مرجع پرداخت می‌شود. این نرخ در بحران سال ۱۳۹۱ برابر ۱۲۲۶ تومان و در سال ۱۳۹۷ معادل ۴۲۰۰ تومان توسط دولت تعیین شد.

در این راستا محمود بهمنی در ابتدای بحران سال‌های ۹۰-۹۱ طی مصاحبه‌ای اعلام می‌دارد که «برای تولید کنندگان و وارد کنندگان میزان ارز نامحدود است و هر میزان که بخواهند گشایش کنند در اختیار آنان ارز قرار می‌دهیم و برای دانشجویان نیز مشخص و دستورالعمل آن قبلاً ابلاغ شده است.»^۱

علاوه بر این ولی الله سیف نیز در بحران سال ۱۳۹۷ به‌طور مکرر بر جیره‌بندی ارز تأکید می‌کند. وی در مصاحبه‌ای که در اوایل تیر ماه ۱۳۹۷ انجام می‌دهد بیان می‌کند که «کالاهای وارداتی به ۴ گروه تقسیم شده‌اند که گروه اول کالای اساسی و حیاتی، گروه دوم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، گروه سوم کالاهای عادی و گروه چهارم کالایی هستند که مشابه آن در داخل تولید می‌شود... طبق آمار واردات سال گذشته، نیاز ارز برای واردات کالای گروه اول ۱۸ میلیارد دلار، گروه دوم ۲۴ میلیارد دلار و گروه سوم ۵،۶ تا ۶ میلیارد دلار است و این نیازهای ارزی با توجه به منابع ارزی کشور و میزان صادرات غیرنفتی و نفتی، قابل تأمین است. برای گروه کالایی چهارم ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار ارز نیاز بود که با توجه به اینکه مشابه آن در داخل تولید می‌شود واردات آن ممنوع شده و ارزی به آن تعلق نمی‌گیرد.»^۲

جیره‌بندی ارز مشکلاتی را به همراه دارد که مهم‌ترین آن‌ها ایجاد رانت برای گروه‌هایی است که ارز را با نرخ مرجع دریافت می‌کنند اما آن را در فعالیت تعیین شده مصرف نمی‌کنند که به نوعی «خطر اخلاقی»^۳ محسوب می‌شود. هر چه نرخ ارز بازاری از نرخ ارز مرجع بیشتر فاصله گیرد میزان رانت گروه‌های هدف افزایش یافته و فعالیت‌های سودجویانه با رشد بیشتری مواجه می‌شود. این مسأله در دو بحران مورد بررسی دغدغه مقامات پولی بوده و بهمنی چندین بار به صراحت به آن اشاره نموده است.^۴

^۱ برنامه خبری ساعت ۱۴ شبکه اول سیما، ۸ بهمن ۱۳۹۰، به نقل از خبرگزاری مهر

^۲ به نقل از خبرگزاری فارس «جزئیات نیازهای ارزی برای چهار گروه کالایی»، تاریخ ۱۳۹۷/۴/۴

^۳ Moral hazard

^۴ بهمنی ۱۳۹۱/۵/۱۱ و ۱۳۹۱/۶/۱۱، خبرگزاری فارس



وجود رانت در جیره بندی و نظام چند نرخى ارز باعث مى‌شود تا نگاه‌ها به سمت تقویت ابعاد نظارتى در کل ساختار توزیع ارز معطوف شود. به عبارت دیگر نظارت بانک مرکزی و دیگر نهادهای مرتبط در دوره‌هایی که ارز به صورت چند نرخى توزیع می‌شود می‌تواند تا حد زیادی از سودجویی‌های احتمالی جلوگیری نماید.

بهمینى در شهریور ماه سال ۱۳۹۱ از یک سو بر لزوم نظارت هرچه بیشتر وزارت صنعت معدن و تجارت بر واردات کالاها و تخصیص ارز به اولویت‌های تعیین شده تأکید می‌کند و از سوی دیگر قول برخورد قاطع با صرافی‌های متخلف را می‌دهد. وی تأکید می‌کند که وارداتی که با نرخ ارز مرجع انجام شود اما بر اساس نرخ بازاری ارز به فروش برسد، متوقف خواهد شد و مردم گزارش تخلفات صرافی‌ها را به بانک مرکزی بدهند تا در اسرع وقت به آن‌ها رسیدگی شود. ولی الله سیف نیز در گزارشی که به مجلس ارائه می‌دهد از ضعف بازوهای نظارتی بانک مرکزی و دیگر نهادهای مرتبط می‌گوید و بر این نکته تأکید می‌کند که ضعف نظارت منجر به عدم تخصیص صحیح ارز، افزایش تقاضای ارز برای واردات کالا از کانال‌های غیر رسمی و قاچاق می‌گردد.^۱

تقاضای ارز

با شروع نوسانات ارزی و افزایش نرخ ارز تقاضای ارز نیز دچار تغییر می‌شود. این تغییر معمولاً به جهت تغییرات در انتظارات نسبت به آینده و کاهش ارزش پول ملی است. با افزایش نرخ ارز، ارزش پول ملی کاهش می‌یابد و آنچه در آینده مورد انتظار عوامل اقتصادی خواهد بود وجود تورم در قیمت‌های داخلی است. بنابراین عوامل اقتصادی تلاش خواهند کرد تا با جایگزینی دارایی‌های خود با ارز، کاهش ارزش پول را جبران کرده و یا حتی از خرید و فروش ارز سودی ببرند. به این ترتیب در این دوره‌ها علاوه بر نیاز عادی کشور برای تأمین ارز واردات و دیگر مصارف معمول، تقاضای سفته‌بازی ارز نیز به آن اضافه می‌شود. این افزایش تقاضا به بحران ارزی و شدت گرفتن افزایش نرخ ارز بیشتر دامن می‌زند. مقامات پولی کشور در هر دو دوره تلاش کرده‌اند تا طی مصاحبه‌هایی که داشته‌اند این نوع تقاضا یعنی تقاضای سفته‌بازی و ناشی از عوامل روانی را از نیاز واقعی کشور تفکیک کرده و آن را علت مهم افزایش نرخ ارز نشان دهند.



محمود بهمنی در تیرماه ۱۳۹۱ طی مصاحبه‌ای اعلام می‌دارد که «بخش عمده‌ای از این نوسانات تحت تأثیر عامل انتظارات متأثر از تحولات سیاسی و روانی است و در عمل اتفاقی نمی‌افتد که قیمت را دستخوش تغییر معناداری کند. از این رو اثر این تحولات کوتاه مدت و مقطعی بوده و با بروز انتظارات در جهت مخالف به سرعت، روند معکوس می‌شود.»^۱

وی همچنین می‌گوید «اطمینان داریم که نوسانات ناشی از تغییرات شیوه تخصیص ارز، مقطعی و عمدتاً روانی است و به همین خاطر نیز گذرا و ناپایدار خواهد بود.»^۲

سیف نیز در مواجهه با نوسانات نرخ ارز واکنشی شبیه واکنش بهمنی دارد و می‌گوید «ما به هیچ وجه نمی‌توانیم اثرات روانی و هیجانی بر اقتصاد کشور را که از خارج به ما منتقل شده است انکار کنیم و التهاب آفرینی در بازار ارز کشور یک واقعیت است.»^۳

وجه مشترک دیگری که مقامات پولی در تحلیل تقاضای ارز داشته‌اند، دخالت بیگانگان در شرایط اقتصادی کشور بخصوص در حوزه ارزی است که باعث شده تا تغییرات تقاضا بوجود آید. در اینجا نقش دشمنان و دست‌های بیگانه برای التهاب آفرینی در بازار ارز بسیار پررنگ شده و در هر دو دوره بر آن‌ها تأکید شده است.

محمود بهمنی تحریم‌های بین‌المللی را عامل اصلی بروز نوسانات ارزی و اختلالات طرف تقاضا می‌داند و بیان می‌دارد که «عاملی که بر شدت تلاطم‌های مذکور افزود، تهدیدهای دشمنان بیرونی و اعلام تصمیم‌های جدید برای تنگ‌تر کردن حلقه تحریم‌های مالی از طریق محروم کردن بانک مرکزی از مراودات بین‌المللی و کاهش خرید نفت و فرآورده‌های نفتی از ایران بود. بدین ترتیب بخشی از تقاضای آتی برای ارز نیز تبدیل به تقاضای آنی شد و انگیزه‌های احتیاطی بر انگیزه‌های سفته‌بازی افزوده شد.»^۴

هم‌چنین سیف نیز آغاز التهابات ارزی را ناشی از اقدامات خصمانه دشمنان می‌داند «آنچه مسلم است نباید اجازه دهیم دشمنان از اطلاعات ما سود و بهره برند و بهتر است به طور جامع در آینده به آن پرداخته شود. در شرایطی که تعادل میان عرضه و تقاضا بر بازار حاکم است، فضا سازی و التهاب آفرینی می‌تواند، موجب بروز شوک و عدم تعادل‌هایی شود. به

^۱ بهمنی، خبرگزاری دولت، ۹۱/۴/۷

^۲ بهمنی، خبرگزاری فارس، ۹۱/۵/۱۱

^۳ سیف، سایت بانک مرکزی، ۹۷/۲/۲۰

^۴ بهمنی، خبرگزاری دولت، ۹۱/۱/۷



بیان بهتر این التهابات با اقدامات دشمنان خارجی آغاز می شود و سفته بازان با اقدامات خود در داخل به آن دامن می زنند.^۱

بازار ارز

یکی دیگر از راه حل هایی که توسط بانک مرکزی در دو بحران مورد مطالعه ارائه شده، ایجاد بازارهای ثانویه ارزی است. این بازارها نوعی بازار رسمی کنترل شده هستند که ارز حاصل از صادرات توسط صادرکنندگان و با نظارت بانک مرکزی در آن ها عرضه می شود و گروه های معینی نیز که قبلاً توسط بانک مرکزی تأیید شده اند می توانند ارز موجود در این بازار را خریداری نمایند. بانک مرکزی علاوه بر نظارت بر رفتار معامله گران در این بازار، می تواند با افزایش و یا کاهش عرضه ارز به طور مستقیم در آن مداخله نماید.

در بحران ارزی سال های ۹۰-۹۱ این بازار تحت عنوان «پرتال ارزی» تأسیس شد و در سال ۱۳۹۷ با نام «بازار ثانویه ارز» توسط دولت ایجاد گردید.

براساس گزارش موجود در سایت بانک مرکزی از پرتال ارزی در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۹۰ توسط رئیس بانک مرکزی وقت و تعدادی از اعضای کابینه رونمایی شده است. این پرتال دارای ۸ سامانه به شرح زیر بوده است:

سامانه مدیریت کدها

نمایش اطلاعات گواهی ثبت آماری

مشاهده روزانه نرخ ارز

نمایش ثبت سفارشات بازرگانی

مدیریت تسهیلات حساب ذخیره ارز

نمایش اطلاعات گمرک و ترخیص کالا

مدیریت دریافت و پرداخت ارز

نمایش اطلاعات اعتبارات و بروات اسنادی

براساس این گزارش پرتال ارزی امکان مشاهده ثبت سفارشات را برای وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مرکزی و گمرک فراهم می آورد و هریک از این نهادها در آن دارای سامانه مستقلی هستند (سایت بانک مرکزی).

^۱ سیف، سایت بانک مرکزی، ۹۷/۲/۱



این در حالی است که در بحران سال ۱۳۹۷، براساس جیره‌بندی تعیین‌شده توسط دولت، به کالاهای دارای اولویت اول مانند کالاهای اساسی، ارز با قیمت ۴۲۰۰ تومان تخصیص داده می‌شود و گروه‌های دیگری که از اولویت پایین‌تری برخوردار هستند ارز خود را در بازار ثانویه تأمین می‌کنند.

سیف در این باره می‌گوید: «دولت قادر است ... منابع ارزی موجود را به اولویت‌های اصلی اختصاص دهد و مبنای نرخ ارز ۴۲۰۰ تومان است و کالاهای اساسی و مواد مورد نیاز کارخانه جات با مشکل تأمین ارز رو به رو نخواهند بود، گروه سوم کالایی نیز از طریق بازار ثانویه تأمین ارز خواهند شد.»

پیش‌بینی‌های مربوط به آینده و مدیریت انتظارات

یکی از مهم‌ترین وظایف بانک‌های مرکزی پس از سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی و انقلاب انتظارات عقلایی مدیریت انتظارات است. این وظیفه در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و بیانیه‌های مقامات پولی و بانک‌های مرکزی منعکس می‌شود. اساساً یکی از مهم‌ترین راه‌های بهبود اثر بخشی سیاست پولی و حتی مداخله‌های ارزی بانک‌های مرکزی، ارتباطات این بانک‌ها است که بایستی به‌درستی و دقت برای هدایت افکار عمومی در زمینه‌های مرتبط با سیاست پولی و مدیریت انتظارات انجام شود. به این ترتیب در این نوع از مقوله‌های موجود در متن، گزاره‌هایی را می‌بینیم که هنوز اتفاق نیفتاده و مربوط به آینده است. به عبارت دیگر مقامات پولی با بیان این نوع گزاره‌ها تلاش می‌کنند تا انتظارات را مدیریت کرده و از التهاب ناشی از بحران بکاهند.

در همین راستا مقامات پولی ایران در دو دوره بحران ارزی اخیر از ابزار ارتباطات و مصاحبه استفاده کرده‌اند تا مداخله بانک مرکزی در بازار ارز را تکمیل نموده و انتظارات را جهت‌دهی کنند. آنچه در این مصاحبه‌ها نمود بارزی دارد، تأکید و تکرار مقوله «توانایی بانک مرکزی» است. هر دو مقام پولی در هر دو بحران به‌شدت بر این نکته تأکید کرده‌اند که بانک مرکزی توانایی کنترل بحران پیش آمده را دارد و ارز موجود در ذخایر بانک مرکزی تقاضای بازار را کفایت می‌کند.

محمود بهمنی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبری فارس در تیرماه ۱۳۹۱ بیان می‌کند که «ذخائر ارزی کشور تکافوی نیازهایمان را می‌کند و هیچ مضیقه‌ای در تأمین



ارز موزد نیاز وجود ندارد و این اطمینان را نیز می‌دهم که در آینده هم چنین کمبودی نخواهیم داشت.»

ولی الله سیف نیز در فروردین ماه ۱۳۹۷، اعلام می‌دارد که «ارز به اندازه کافی در اختیار بانک مرکزی وجود دارد و از این منظر جای هیچ گونه نگرانی وجود ندارد. یعنی خوشبختانه به هیچ عنوان در تنگنای ارزی نیستیم، البته در مقاطعی تنگنانهایی برای تامین اسکناس در بازار وجود داشت که به سرعت برطرف و حل شد، به جز این بانک مرکزی وسواس و دقتی خاص در حفظ حداقل ذخایر ارزی کشور دارد چون ضامن و پشتوانه اقتصاد کشور است و این میزان برای دوره خاصی می‌تواند کفایت کند و به هیچ وجه نگرانی وجود ندارد.» وی در مصاحبه دیگری که در مرداد ماه ۱۳۹۷ و در اوج شدت گرفتن بحران ارزی انجام می‌شود، می‌گوید «با توجه به پیش بینی‌ها از درآمدهای ارزی می‌توان با اطمینان روی آرامش بلند مدت حساب کرد.»

مقوله دیگری که باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد پیش‌بینی و دادن وعده کاهش نرخ ارز می‌باشد. این مقوله به‌طور عمده توسط محمود بهمنی مورد تأکید قرار گرفته است. وی با بیان اینکه نرخ ارز در بازار آزاد به طور یقین طی روزهای آینده با روند نزولی مواجه می‌شود، پیش‌بینی کرد: «نرخ دلار در بازار رسمی تا مرز یک هزار و ۵۰۰ تومان کاهش پیدا خواهد کرد.»^۱

این در حالی است که وی در ۲۴ خرداد ۱۳۹۰ در گفت‌وگوی ویژه خبری تلویزیون گفته بود: «ما به مقدار کافی ذخیره ارزی داریم و در چند روز آینده قطعا نرخ ارز کاهش شدیدی خواهد داشت.»^۲

از سوی دیگر ولی الله سیف نیز پیش‌بینی می‌کند با توجه به اعمال سیاست‌های جدید و بهره‌گیری از سامانه نیما و بازار ثانویه ارز قیمت‌ها در بازار کاهش یابد. وی در مرداد ماه ۱۳۹۷ بیان می‌کند که «در مدت کوتاهی که کار بازار ثانویه ارز آغاز شده عملکرد مناسبی داشته ... و پیش‌بینی می‌شود قیمت‌ها با ایجاد شفافیت در عرضه و تقاضا مناسب‌تر شود و فضا برای تجارت خارجی طبیعی و متناسب با تحولات در صحنه بین‌الملل باشد.»^۳

^۱ بهمنی، ایلنا، ۹۱/۶/۱۲

^۲ بهمنی، ایرنا

^۳ سیف، خبرگزاری تسنیم، ۹۷/۵/۲

وی پیش از این نیز در فروردین ماه ۱۳۹۷ گفته بود «در نهایت هم با این مدل، قدم آخر در روند ایجاد بازار تک نرخی ارز برداشته شد هدفی که از مدت‌ها پیش دنبال می‌شد و در میان مطالبات مردم نیز قرار داشت. به این ترتیب از این پس نه قیمت مبادله ای وجود خواهد داشت نه آزاد و رقم ۴۲۰۰ تومان اعلام شده مبنایی برای بازار خواهد بود.»^۱

علاوه بر آنچه گفته شد تأکید سیف بر درست و به موقع بودن تصمیمات بانک مرکزی از نکات جالب مصاحبه‌های وی در دوره بحران است. برخی از این موارد در ذیل آمده است:

«من به قطع می‌گویم این تصمیم بسیار درست و اصولی است و می‌تواند به بازار استحکام ببخشد مخصوصاً در شرایطی که دشمنان کشور به دنبال مشکل‌آفرینی هستند این مدل ما را مجهز و نفوذ ناپذیر کرده و را در مقابل خلل‌های احتمالی در ثبات اقتصادی، مقاوم می‌کند.»^۲

«همان‌طور که رئیس جمهوری نیز اشاره کردند تصمیمات اخیر در حوزه سیاست‌های ارزی، بهترین انتخابی است که در شرایط فعلی می‌توانست اتخاذ شود.»^۳

«این تصمیم، تصمیمی به موقع، مدبرانه و دقیق بود تا بتوانیم اقتصاد کشورمان را از تاثیرات مصون بداریم.»^۴

بنظر می‌رسد وی سعی داشته است تا با بکارگیری این مقولات افکار عمومی را جهت بهبود اوضاع ارزی کشور اقناع نماید.

نقشه تماتیک موضع‌گیری‌های مقامات پولی

در این قسمت نمای تماتیک مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای دو مقام پولی یعنی محمود بهمنی و ولی‌الله سیف را ارائه می‌دهیم تا با استفاده از آن‌ها دلالت‌های مورد نیاز را استخراج نماییم. جدول شماره (۱) نمای تماتیک سخنانی‌ها و مصاحبه‌های محمود بهمنی رئیس بانک مرکزی در دوره بحران ارزی ۱۳۹۱ نشان می‌دهد.

۱ سیف، سایت بانک مرکزی، ۹۷/۱/۲۲

۲ سیف، ۹۷/۱/۲۲

۳ سیف، ۹۷/۲/۱

۴ سیف، ۹۷/۲/۲۰



جدول شماره (۱)، نمای تماتیک سخنرانی ها و مصاحبه‌های محمود بهمنی

نظام نرخ ارز	نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده	مداخله بانک مرکزی و عرضه ارز	
افزایش عرضه	دولت بزرگترین عرضه‌کننده ارز		
غیرقانونی بودن دلار با قیمت بالاتر	عرضه ارز از طریق صرافی‌های مجاز افزایش می‌یابد		
	از روز شنبه دلار باید با این قیمت معامله شود		
ارز مسافرتی	خریدوفروش دلار بالاتر از این نرخ غیر قانونی		
	گزارش تخلفات صرافی‌ها به بانک مرکزی		
	افزایش ارز مسافرتی در نوروژ		
	ارز در گیت خروجی فرودگاه به مسافران تحویل داده خواهد شد		
تأمین ارز	تأمین ارز مسافرتی		
	دانشجویان نگران ارز نباشند		
	تأمین نیازهای ارزی واردات		
	تأمین ارز واردکنندگان از طریق حواله و اعتبار اسنادی		
جیره‌بندی ارز	برای وارد کنندگان ارز نامحدود وجود دارد		
	واردات ارز از کشورهای همسایه		
	اعمال نظارت توسط بانک مرکزی		
	نظارت بر عدم سوء استفاده از نرخ ارز مرجع کالا از گشایش ال سی تا مصرف مورد نظارت قرار می‌گیرد		
	تشدید نظارت بانک مرکزی		
	گزارش تخلفات صرافی‌ها به بانک مرکزی		
	توقف واردات با نرخ ارز مرجع و فروش با نرخ آزاد		
	ناتوانی بانک‌ها در کنترل خریدوفروش ارز		
	سیاست تک نرخی شدن ارز		برنامه‌ای برای تغییر نرخ ارز مرجع نداریم
	سیاست تک نرخی شدن ارز		سیاست تک نرخی شدن ارز
رانت چند نرخی بودن	ایجاد رانت با ارز تک نرخی		
	جلوگیری از رانت		
	رانت ارز دو نرخی		
تفکیک تقاضا	تقاضای کاذب	تقاضای ارز	
	تقاضای واقعی		
	حضور فرصت‌طلب‌ها و افزایش تقاضا		



نقش مسائل روانی در افزایش تقاضا		
قیمت کاذب دلار	تعیین قیمت در بازار	بازار ارز
نرخ ارز را بازار تعیین می کند		
افزایش قیمت داخلی طلا و اثر آن بر بازار ارز		
نرخ کاذب در بازار ارز		
افزایش بیش از حد قیمت ارز دروغ است		
تعیین نرخ ارز در بورس	بازار ثانویه ارزی	
کنترل بازار پس از کشف قیمت		
راه اندازی پرتال ارزی		
کنترل ثبت سفارش از طریق سیستم بانکی		
جلوگیری از واردات صوری		
ثبت فروش ارز در سامانه سنا		
صدور فاکتور برای خرید و فروش ارز		
دلار باید امروز ۷۰ تومان ارزان شود		
برنامه ریزی یک هفته ای برای کاهش نرخ دلار		
نرخ ارز در روزهای آینده به طور یقینی کاهش می یابد		
کاهش تفاوت بین نرخ ارز رسمی و بازار	نرخ ارز کاهش می یابد	
کاهش شدید نرخ ارز بر اساس سیاست های جدید		
بدون شک مشکلات اصلی نرخ ارز با این بسته مرتفع خواهد شد		
امیدواری برای نظم پولی		
امیدواری به روند کاهشی نرخ دلار		
منابع کافی ارزی کشور	منابع کافی ارزی	
کمبود منابع نداریم		
کنترل تقاضای کاذب	توانایی بانک مرکزی	
بانک مرکزی توانایی کنترل بازار را دارد		
توانایی کنترل نوسانات کاذب توسط بانک مرکزی		

منبع: نتایج تحقیق



جدول شماره (۲) نمای تماتیک سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ولی الله سیف رئیس کل بانک مرکزی در دوره بحران ارزی ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲)، نمای تماتیک سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ولی الله سیف

نظام شناور مدیریت شده	نظام نرخ ارز	مداخله بانک مرکزی و عرضه ارز		
تعدیل نرخ ارز با واقعیت‌های اقتصادی				
ارز مسافرتی به‌طور کامل قطع نمی‌شود	ارز مسافرتی			
در مورد ارز مسافرتی و دانشجویی تصمیمات جدیدی اتخاذ شده				
تقاضای ارز گردشگری (مسافرتی)				
وارد کنندگان با مشکل ارز مواجه نخواهند بود	ارز واردات			
مکانیسم تخصیص ارز در بازار ثانویه برای واردکنندگان و صادرکنندگان				
به کالاهای لوکس ارزی تعلق نمی‌گیرد				
تأمین ارز کالاهای مصرفی از طریق منابع صادرات غیر نفتی و بخش خصوصی				
تخصیص منابع ارزی برای اولویت‌ها	اولویت بندی واردات	جیره‌بندی ارز		
استفاده از دلار مرجع برای کالاهای اولویت‌دار				
افزایش سهم کالاهای اساسی در تخصیص ارز				
دسته‌بندی کالاها برای تخصیص ارز				
به واردات کالاهای لوکس ارزی تعلق نمی‌گیرد				
اطمینان از تخصیص منابع ارزی کشور متناسب با اولویت نیازهای واقعی کشور				
جلوگیری از خروج منابع ارزی از طریق قاچاق و خروج سرمایه				
حذف و تعدیل استثنائات در واردات و صادرات				
تخصیص منابع ارزی به اولویت‌ها				
ساماندهی و شفاف سازی تجارت خارجی کشور			ساماندهی تجارت خارجی	
هدایت واردات کالاها و خدمات به کانال های رسمی				
اطمینان از بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور				
اطمینان از تخصیص منابع ارزی کشور متناسب با اولویت نیازهای واقعی کشور				



سیاست ارز تک نرخ	جلوگیری از خروج منابع ارزی از طریق قاچاق و خروج سرمایه استفاده از دلار مرجع برای کالاهای اولویت دار تلاش برای تک نرخ کردن ارز		
رانت ارز چند نرخ	تقاضای ارز برای واردات کالا از کانال های غیر رسمی ساماندهی و شفاف سازی تجارت خارجی کشور		
تفکیک تقاضا	دلایل بروز التهاب در بازار ارز گفتنی نیست (امنیتی است) دامن زدن سفته بازان به التهاب تقاضای سفته بازی ارز اثرات روانی غیر قابل انکار در بازار ارز عوامل غیر اقتصادی و انتظارات سودجویان در بازار ارز نوسانات نرخ ارز اقتصادی نیست التهاب ناشی از مسائل روانی کاذب بودن التهابات دسیسه دشمنان	تقاضای ارز	
	دلایل بروز التهاب در بازار ارز گفتنی نیست (امنیتی است) آغاز التهابات با دست دشمنان خارجی التهاب آفرینی دشمنان نقش دشمنان در التهاب بازار جنگ اقتصادی نامنی روانی توسط دشمن دشمنان مانع پیشرفت هستند برنامه ریزی برای خنثی سازی اقدامات دشمنان		نقش دشمنان خارجی
	تأمین ارز از طریق بازار ثانویه عملکرد مناسب بازار ثانویه کاهش نرخ ارز در بازار ثانویه مکانیسم تخصیص ارز در بازار ثانویه برای واردکنندگان و صادرکنندگان		بازار ثانویه
	راه اندازی سامانه نیما شفافیت کامل در عرضه و تقاضای بازار ارز ابزار اطلاعاتی برای رصد لحظه ای بازار ارز عملیاتی شدن نظام یکپارچه معاملات ارزی		سامانه نیما



در شرایط عادی نرخ ارز تابع عرضه و تقاضاست	شرایط خاص	
بروز نااطمینانی در بازار ارز	بازار ارز	
ارز موجود برای تأمین واردات کافی است	منابع کافی بانک مرکزی	پیش‌بینی‌های مربوط به آینده و مدیریت انتظارات
در بلند مدت با اطمینان ارز کافی داریم		
تعادل مناسبی بین عرضه و تقاضای ارز در کشور وجود دارد		
منابع و مصارف متعادل است		
کفایت منابع ارزی بانک مرکزی برای مصارف		
هیچ نگرانی برای تأمین ارز نداریم		
به اندازه کافی ارز در بانک مرکزی وجود دارد		
وظیفه بانک مرکزی جلوگیری از نوسانات کوتاه‌مدت است		
عدم افزایش قیمت کالاهای اساسی		
تأمین تفاوت ریالی نرخ ارز مربوطه توسط دولت		
با اجرای طرح، کنترل نوسانات مقطعی و حتی سیستماتیک قابل کنترل است		
نوسانات نرخ ارز کنترل شد		
توانایی بانک مرکزی در کنترل بازار		
بانک مرکزی اجازه نخواهد داد عدم تعادل در بازار ارز دوباره رخ دهد		
نوسانات بازار در روزهای گذشته تحت کنترل قرار گرفت		
سیاست‌های انضباط گرایانه پولی	تصمیمات خوب بانک مرکزی	
اجرای موفق ترتیبات ارزی		
سیاست جدید ارزی به موثر و مدبرانه بود		
اقدامات به موقع بانک مرکزی		
بهترین تصمیم را گرفتیم	امیدواری	
آرامش خوبی بر اقتصاد حاکم است		
اقدام اخیر آمریکا هیچ‌گونه نگرانی ایجاد نمی‌کند		
هیچ نگرانی برای تأمین ارز نداریم		
در بلند مدت با اطمینان ارز کافی داریم	کاهش نرخ ارز	
نرخ ارز در بازار ثانویه کاهش می‌یابد		
شفافیت اقدامات ارزی	سیاست‌های جدید	سیاست‌های اجرا شده
ایجاد شفافیت در طرح جدید		
مقابله با پول‌شویی		



تأمین مالی تروریسم		
ایجاد ساختار برای کنترل ارز		
اصلاح رویه‌های تخصیص ارز	اصلاح رویه‌های ارزی	
تعیین سقف نگهداری ارزی برای افراد	اقدامات انجام شده	
تغییر نقش صرافی‌ها		
کاهش تعداد صرافی‌ها		
خروج ارز از کشور تحت نظم و قواعدی اتفاق می‌افتد نه رها	ایجاد قواعد برای خروج سرمایه از کشور	

منبع: نتایج تحقیق

از مقایسه دو نقشه تماتیک موضع‌گیری‌های مقامات پولی در دو بحران مقولات و تم‌های مشترک و غیر مشترک بوضوح آشکار می‌شوند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود شباهت‌های زیادی در موضوع‌گیری‌ها وجود دارد به‌گونه‌ای که مقولات اصلی تا حد زیادی توسط هر دو مقام پولی تکرار شده‌اند. از سوی دیگر تفاوت‌هایی نیز در زیر مقوله‌ها قابل مشاهده است. به عنوان مثال در دوره دوم بحران ارزی شاهد تأکید بیشتر بر اولویت بندی واردات در ساختار جیره بندی نرخ ارز و هم‌چنین نقش دشمنان خارجی در تحریک روانی تقاضا هستیم. این در حالی است که در بحران اول تأکید بیشتر مقام پولی بر دادن وعده کاهش نرخ ارز بوده است.

۴- یافته‌های تحقیق

اکنون نوبت به تحلیل داده‌ها و استخراج دلالت‌های ملموس برای شکل‌گیری انتظارات تورمی با استفاده از لنگر اسمی نرخ ارز می‌رسد. آنچه برای ما در این مرحله اهمیت دارد صرف سخنان مقامات پولی در دوره‌های بحران نیست بلکه ربط و نسبت آن با واقعیت است که در هدایت افکار عمومی در شرایط بحرانی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین کانون توجه را باید به سمت مقوله پیش‌بینی‌های مربوط به آینده معطوف نماییم.

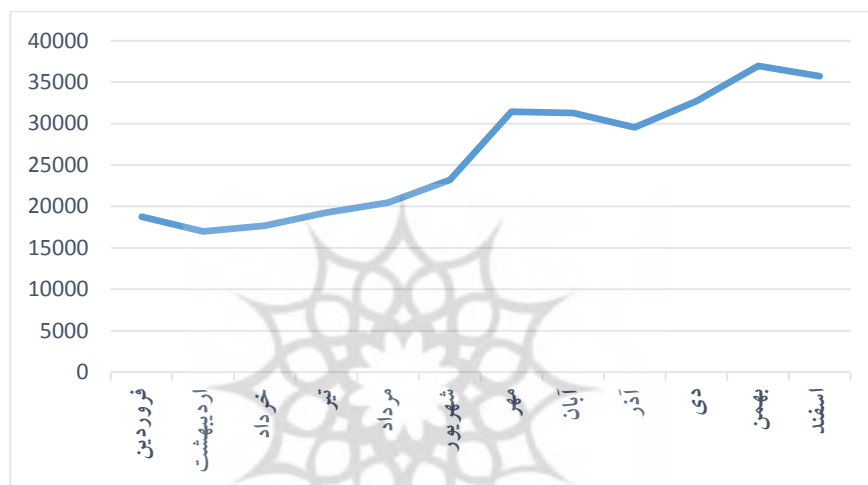
شاید با استفاده از مدل‌های رگرسیونی و سری‌های زمانی به‌عنوان مدل‌های مرسوم پژوهش‌های اقتصادی نتوان درباره میزان انطباق سخنان مقامات پولی درباره آینده با آنچه در واقعیت تحقق یافته است، به‌درستی و دقت سخن گفت، اما با استفاده از آمار و ارقام



موجود در بازار ارز می‌توان نشان داد که این پیش‌بینی‌ها و وعده‌های مربوط به آینده در بحران‌های ارزی محقق نشده است.

نمودار شماره (۱) روند نرخ ارز را در دوره سال‌های ۹۰ و ۹۱ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نمودار آشکار است، با شدت گرفتن بحران ارزی و افزایش نرخ ارز در بازار غیر رسمی (بازار خارج از مبادی رسمی دولتی) با وجود تأکید مقام پولی مبنی بر کاهش نرخ ارز، روند صعودی این قیمت دلار تا پایان سال ۱۳۹۱ ادامه داشته است.

نمودار (۱): روند ماهانه نرخ ارز در بازار غیر رسمی (سال ۱۳۹۱)

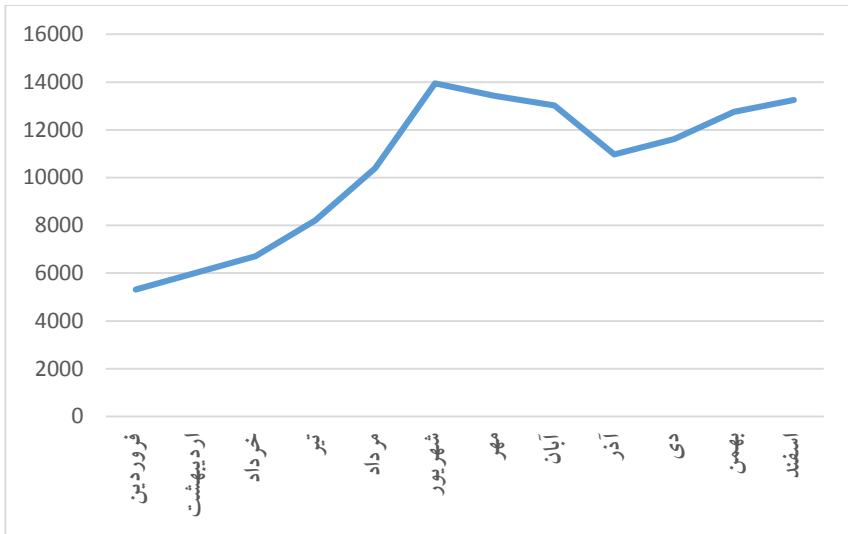


منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی

در مورد بحران ارزی ۱۳۹۷ نیز با توجه به عدم انتشار نرخ غیر رسمی ارز توسط بانک مرکزی سری زمانی مربوطه وجود ندارد اما با استفاده از قیمت‌های روزانه در بازار رسمی می‌توان به یک نمودار مقدماتی در این زمینه رسید. لازم به ذکر است که در این دوره قیمت دلار در چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۹۷ از مرز تاریخی ۱۸۰۰۰ تومان عبور می‌کند.

نمودار (۲): روند ماهانه نرخ ارز در بازار غیر رسمی (سال ۱۳۹۷)





منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس میانگین قیمت روزانه دلار در یکی از صرافی‌های معتبر کشور بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌بینی‌ها و وعده‌های مقامات پولی در هر دو دوره در واقعیت تحقق پیدا نکرده و بانک مرکزی نتوانسته است بازار ارز را مطابق با وعده‌های داده شده کنترل و مدیریت نماید.

لازم به تذکر است که در اینجا به دنبال نقاط ضعف و دلایل شکست سیاست‌ها و اقدامات بانک مرکزی نیستیم چرا که ممکن است مقامات و مجریان سیاست‌ها دلایلی داشته باشند که شکست اقدامات بانک مرکزی در هر دوره را توجیه نماید، بلکه مسئله اساسی آنست که وعده‌های مقامات پولی در عمل به درستی تحقق پیدا نکرده و در نتیجه شهرت مقام پولی در زمینه مدیریت بازار ارز دچار خدشه شده است.

از آنجایی که این فرایند در سخت‌ترین شرایط اقتصادی کشور دو بار تکرار شده است این امکان وجود دارد که به صورت یک قاعده سرانگشتی ذهنی در افکار عمومی درآید که «بانک مرکزی نمی‌تواند بحران‌های ارزی را کنترل نماید». ایجاد چنین قاعده سرانگشتی ذهنی حتی در صورتی که اشتباه باشد، می‌تواند به التهابات بیشتر دامن زده و بنابراین شرایط را به‌طور کلی از کنترل بانک مرکزی خارج نماید.



۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

مدیریت انتظارات در هنگامه بروز بحران‌های پولی و ارزی از جمله وظایف اجتناب‌ناپذیر بانک‌های مرکزی است. مقامات پولی در چنین وضعیت‌هایی تلاش می‌کنند تا با موضع‌گیری‌های دقیق و مشخص از التهابات بازار ارز کاسته و انتظارات کنش‌گران اقتصادی را در جهت مطلوب هدایت نمایند. این امر بدون شهرت و اعتبار مقام پولی در نزد فعالین اقتصادی امکان‌پذیر نیست. بر اساس ادبیات اقتصاد کلان هر چه شهرت مقام پولی بیشتر باشد، جهت‌دهی و مدیریت انتظارات نیز آسان‌تر و دقیق‌تر خواهد بود. بنابراین موضع‌گیری‌های مقامات پولی می‌تواند نقش بسزایی را در این زمینه ایفا نماید به‌گونه‌ای که کنشگران اقتصادی با توجه به موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های اعلامی بانک مرکزی انتظارات خود درباره آینده را شکل می‌دهند. در صورتی که شهرت مقام پولی پایین باشد جهت‌دهی و تجمیع انتظارات بسیار مشکل می‌شود و در نتیجه حتی اثر بخشی سیاست‌های دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵-۲- نتیجه‌گیری

در دو دوره بحران‌های ارزی اخیر، مقامات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با موضع‌گیری‌های خود به بازار و انتظارات مربوط به آینده علائمی را ارسال کرده‌اند. در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از روش تحلیل تماتیک، ساختار و مقولات اصلی موضع‌گیری‌های مقامات پولی در دو دوره بحران ارزی اخیر یعنی بحران ارزی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ و بحران ۱۳۹۷ استخراج شود و با آنچه در واقعیت رخ داده مقایسه گردد. بنابراین وجه نوآوری پژوهش حاضر یکی استفاده از روش تحلیل تماتیک در رابطه با مواضع رؤسای بانک مرکزی ایران است و وجه دیگر آن استخراج یک دلالت صریح شناختی برای شکل‌گیری انتظارات تورمی در آینده با استفاده از واقعیات موجود است. بر اساس نتایج به‌دست آمده مشخص می‌شود که در موضع‌گیری‌های مقامات پولی تم‌های اصلی تکرار شده‌اند اما پیش‌بینی‌ها و وعده‌های مقامات پولی در واقعیت تحقق پیدا نکرده و از این جهت شهرت مقام پولی در ایران می‌تواند دچار خدشه شود.

قواعد سرانگشتی ذهنی به دلیل فراگیری موضوع و بروز بحران در شرایط اقتصادی سخت می‌توانند با وجود چنین رخدادهایی به سرعت تغییر کرده و قضاوت‌هایی را درباره مقامات



پولی در ذهن فعالان اقتصادی ایجاد کنند. این قواعد از شکل‌گیری انتظارات عقلایی جلوگیری کرده و منجر به واکنش‌های سریع ذهنی در مواجهه با التهابات جدید می‌شوند. بنابراین مدیریت و جهت‌دهی انتظارات بیش از پیش دچار مشکل خواهد شد.

۵-۳-پیشنهادات

این سیاست‌ها با این فرض پیشنهاد می‌شوند که انتظارات عوامل اقتصادی در دوره‌های قبلی و متکی یادگیری‌های گذشته شکل گرفته است. این سیاست‌ها با هدف ایجاد ناهماهنگی شناختی طراحی می‌شوند. ایجاد ناهماهنگی شناختی باعث می‌شود تا افراد خود را در معرض یک حالت زیان آور ذهنی ببینند و تلاش کنند تا خود را از این حالت برهانند. بهترین زمان برای تغییر در طرحواره‌های ذهنی چنین حالتی است. از آنجایی که تأثیر بر فرایندهای شناختی به‌شدت وابسته به وضعیت هستند. در اینجا با استفاده از مطالعات انجام شده و نکاتی که درباره شرایط اقتصاد ایران وجود دارد سیاست‌هایی ارائه می‌شود. این سیاست‌ها عموماً توسط بانک‌های مرکزی و مقامات پولی اتخاذ می‌شود.

۵-۳-۱- تغییر سلسله مراتب انتشار اطلاعات

سلسله‌مراتب انتشار اطلاعات یکی از مهم‌ترین عواملی است که در اثرگذاری سیاست ارتباطی مؤثر است. اینکه جامعه از چه کسانی اطلاعات جدید و یا تحلیل‌های جدید را دریافت می‌کند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری انتظارات دارد و تغییر در آن می‌تواند نتایج مهمی را به دست دهد (والیزر، ۲۰۰۸). به این ترتیب یکی از ضروریات سیاست ارتباطی بانک مرکزی شناخت درست منابعی است که اطلاعات توسط آن‌ها به دست کنشگران اقتصادی می‌رسد. این کنشگران در بسیاری از موارد اطلاعات خود را به‌طور مستقیم از بانک مرکزی یا مقامات پولی دریافت نمی‌کنند بلکه تحلیل‌گران و پیش‌بینی‌کنندگان هستند که سیاست‌های اعلامی بانک مرکزی را تفسیر می‌کنند و آن را برای عموم جامعه توضیحی می‌دهند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در انتشار اطلاعات و پیام‌هایی که از ناحیه بانک مرکزی صادر می‌شود، می‌توان سلسله‌مراتبی را تشخیص داد که شناخت درست و دقیق آن گام اساسی در سیاست ارتباطی بانک مرکزی خواهد بود.

در ایران سلسله‌مراتب انتشار اطلاعات را می‌توان پراهمیت‌ترین جزء سیاست ارتباطی دانست چراکه میزان گسترش و در نتیجه واکنش به پیام ارسال شده اساساً وابسته به نوع منبع انتشار است. افرادی که از آنها به عنوان تحلیل‌گر اقتصادی یاد می‌شود و در عرصه‌های



مختلف اقتصادی اظهار نظرهایی مطرح می کنند در صورتی که همسو با سیاست های بانک مرکزی اقدام به انتشار دیدگاه های خود نمایند و سیاست های اعلام شده را برای عموم جامعه تفسیر نمایند از آنجایی که جایگاه آنها با مقامات رسمی بانک مرکزی متفاوت است می تواند اثر گذاری بیشتری بر فهم عموم مردم و واکنش آنها درباره سیاست داشته باشد. این افراد می توانند به درستی نقش گروه های مرجع را ایفا کنند. بنابراین بانک مرکزی خود می تواند با ارتباط درست با نخبگان و صاحب نظران در عرصه اقتصادی و تحلیل گران ارزی، سیاست های خود را ابتدا برای آنها توضیح دهد و آنها نیز به عنوان گروه های مرجع فهم عمومی جامعه درباره سیاست های بانک مرکزی را افزایش دهند. این در حالی است که در وضعیت فعلی عموماً افرادی که در حلقه اول ارتباط بانک مرکزی قرار دارند نه تحلیل گران و صاحب نظران بلکه خبرنگاران هستند که در بهترین حالت از دانشی سطحی درباره سیاست پولی برخوردارند. به این ترتیب تفسیر خبرنگاران برای عموم مردم با تفسیری که صاحبان نظر انجام می دهند متفاوت خواهد بود که این امر ضرورت تغییر درسلسله مراتب انتقال و انتشار اطلاعات را ضروری می نماید.

۵-۳-۲- همزمانی ارتباط با عمل

در بسیاری از موارد افکار عمومی اعلام های سیاستی را نادیده می گیرند چرا که به نوعی مقامات پولی را در زمینه مدیریت و کنترل بازار پول و ارز ناتوان می دانند. فارغ از آنکه چه اتفاقاتی منجر به چنین اعتقادی در بین افکار عمومی می شود باید گفت که برای تشدید جریان ارتباطی و از بین بردن این نوع از اعتقادات لازم است به افکار عمومی نشان داده شود که این اعلام ها و ارتباطات بانک مرکزی از یک سری عملیات خاص سیاستی شروع شده و با اعلام آن به افکار عمومی به نتایجی در عمل خواهد انجامید. نمود عملی یک سیاست به افکار عمومی این اطمینان را می دهد که بانک مرکزی برای اجرای سیاست های خود هم از اختیارات کافی برخوردار است و هم اصرار دارد که این سیاست انجام شود. به عبارت دیگر خروجی های عملیاتی یک سیاست ارتباطی خود می توانند بخشی از مدیریت افکار عمومی باشند. به این ترتیب چنین اعتقادی که «مقامات پولی فقط حرف می زنند اما عمل نمی کنند» باید شکسته شود.

درباره نرخ ارز نیز می توان خروجی های عملی را به عنوان علامت به بازار نشان داد تا مخاطبین را متوجه این امر بنماییم که بانک مرکزی انگیزه و توانایی لازم برای مدیریت بازار



آشفته ارز را دارد. گام‌های عملیاتی جهت شفاف‌سازی و مکانیزه کردن بازار ارز می‌تواند یکی از این ابزارها باشد.

۵-۳-۳- پیام‌های ساده بهتراند

شدت واکنش عوامل اقتصادی به یک پیام (یا اطلاعات جدید) وابسته به ماهیت اطلاعاتی است که در اختیار مخاطبین آن قرار می‌گیرد. در این زمینه سؤالی که مطرح می‌شود آنست که اگر اعتقادات عوامل اقتصادی نسبت به اعلام‌های بانک مرکزی حساس است چرا در ایران اثر واضحی در سطح کلان مشاهده نمی‌شود؟ دو دلیل می‌توان برای این مسأله بر شمرد: اول آنکه افراد در معرض اطلاعات قرار نمی‌گیرند و دیگری آنست که اگر این در معرض اطلاعات قرار می‌گیرند آن را به درستی درک نمی‌کنند. پاسخ اول را می‌توان در سلسله مراتب انتشار اطلاعات جستجو کرد اما پاسخ دوم مربوط به محتوای پیام‌ها می‌شود. پیام‌های مشکل و با قابلیت درک و فهم پایین امکان انتقال کمتری در سطوح جامعه دارند. در بسیاری موارد اطلاعات منتشر شده از سوی بانک مرکزی و مقامات پولی به گونه ایست که برای فهم آنها نیاز به داشتن دکترای اقتصاد می‌باشد و در نتیجه انتقال پیام به افکار عمومی و اثر گذاری بر آن با مشکل مواجه می‌شود. لذا نباید توقع داشت که انعکاس عین به عین سیاست‌های اتخاذ شده توسط رسانه‌ها می‌تواند اثر داشته باشد. به این ترتیب گفتگوی مستقیم بانک مرکزی با مردم از اثربخشی لازم برخوردار نخواهد بود. چرا که فضای تخصصی با عمومی خلط می‌شود و در نتیجه اثرگذاری پیام بانک مرکزی برای مدیریت انتظارات تورمی کاهش می‌یابد. (کویباین و دیگران، ۲۰۱۸)

بر اساس آنچه گفته شد ارتباطات لایه بندی شده ظرفیت اثرگذاری بسیار بالاتری دارد. ارتباطات لایه ای یا سطح بندی شده با شناخت دقیق از مخاطب هدف در هر سطح اطلاعات و تحلیل‌های متناسب با همان سطح را در اختیار آنها قرار می‌دهد. بنابراین سطح بندی انتشار اطلاعات تا حد زیادی از مشکل عدم درک اطلاعات می‌کاهد. یک استراتژی موفق ارتباطی که با هدف تأثیرگذاری بر خانوارها و بنگاه‌ها اتخاذ می‌شود باید شامل پیام‌های «در دسترس» بیشتری نسبت به دیگر استراتژی‌ها باشد. دسترسی پذیری اطلاعات باعث می‌شود تا افراد فقط تورم در دسترس خود را برای شکل دادن انتظارات جدید در نظر نگیرند.



ارائه چندلایه اطلاعات به افکار عمومی که به معنی ارائه یک محتوا در توالی پیام‌ها با سطوح پیچیدگی مختلف است می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. یعنی متناسب با سلسله مراتبی که انتشار اطلاعات صورت می‌گیرد بانک مرکزی باید محتوای اثرگذار داشته باشد و نه اینکه در یک سطح اطلاعات را منتشر کند(همان).

۵-۳-۴- خوانی پیام با سناریوی سیاستی بانک مرکزی

اینکه پیام با سناریویی که توسط مقامات پولی طراحی شده همخوانی داشته باشد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. انتخاب رویکرد زمان محور یا وضعیت محور در راهبرد سیاستی متفاوت است. در اولی یک دوره انتظاری برای انتشار اطلاعات وجود دارد که به درستی باید مشخص شود. در حالی که در دومی اعلام سیاست‌ها وابسته به وضعیت است. به عبارت دیگر در رویکرد وضعیت محور نوع وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور که قرار است در آن سیاست بانک مرکزی اعلام شود مورد توجه قرار می‌گیرد تا اطلاعات متناسب با آن منتشر شود. طبیعتاً با مشخص بودن سناریو می‌توان از ترکیب این دو رویکرد نیز بهره برد. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد شکل‌گیری اعتقادات جدید هم به اعتقادات اولیه بستگی دارد و هم به آنچه که به عنوان اطلاعات جدید دریافت می‌کنند. بنابراین چنین تغییراتی در انتظارات از نظریه بیز تبعیت می‌کند(کویباین و دیگران، ۲۰۱۸). در صورتی که این قانون را بپذیریم سیاستگذاران، بر مبنای اطلاعاتی که برای انتشار انتخاب می‌کنند، هم می‌توانند برآورد افراد از تورم را افزایش دهند و هم می‌توانند آن را کاهش دهند. البته واضح است که هیچ موسسه سیاستگذاری نمی‌خواهد اطلاعات غلط منتشر کند بلکه واقعیت‌های مختلفی وجود دارد که می‌تواند برای تأکید انتخاب شود.

تکرار پیام

ماهیت ناپایدار اطلاعات و پیام‌ها در ذهن افراد بیانگر آنست که سیاست‌گذاران باید مجموعه‌ای از پیام‌ها را با هدف تأثیر بر انتظارات تورمی به طور مداوم تکرار کنند. اعلام‌هایی که تنها یک بار انجام می‌شود، ممکن است که اثرات فوری و بلندمدت بر ذهن(انتظارات) پیش‌بینی‌کنندگان حرفه‌ای و ذینفعان بازارهای مالی داشته باشند اما چنین اثراتی را بر ذهن دیگر عوامل اقتصادی ندارند.



شناسایی مخاطبین و ارسال پیام مستقیم متناسب و مخصوص به آنها

شناسایی مخاطب برای ارسال پیام یکی از مهم‌ترین اجزای سیاست رسانه ایست که در قسمت‌های قبل نیز به آن پرداخته شد. استفاده از برخی رسانه‌ها که گروه هدف سیاست پولی، مخاطب آنها نیستند یا ارسال پیام به گروه‌هایی که در واقع سیاست پولی به آنها ارتباطی ندارد، هر دو اشتباهاتی است که اثربخشی سیاست‌ها را تهدید می‌کند. رشد رسانه‌های اجتماعی می‌تواند این رویکرد مخاطب محور و هدفمند را تسهیل کند. بسیاری از پیام‌های بازرگانی و حتی سیاسی مخاطبین خود را به درستی می‌شناسند و متناسب با آنها و کانال و نوع پیام را مشخص می‌کنند. به این ترتیب بانک مرکزی نیز می‌تواند با استفاده از ابزارها و استراتژی‌های تبلیغاتی مشخص بر گروه‌های خاصی تمرکز نماید. چنین رویکردی از تمرکز بر رسانه‌هایی که عمده جمعیت به آنها توجهی نمی‌کنند و یا واکنش معکوس نسبت به آن نشان می‌دهند، اجتناب می‌کند. پیام‌هایی با روایت واضح درباره آنچه بانک مرکزی به عنوان سیاست برگزیده و می‌خواهد به جامعه منتقل شود، فضای افکار عمومی را برای یافتن مخاطبین بیشتر و در نتیجه ادراک و توجه بیشتر، باز نماید.

شکل زیر خلاصه‌ای از این راه‌حل‌های سیاستی ارائه می‌دهد.

شکل ۱: مؤلفه‌های سیاست ارتباطی بانک مرکزی



منبع: نتایج تحقیق



راه حل های سیاستی مذکور اگرچه در ابتدای امر ساده به نظر می رسند، اما می توانند چارچوب های مهم برای شرایط خاص را ارائه دهند. همانگونه که در متن این پژوهش نیز اشاره شد، سیاست های ارتباطی وابسته به وضعیت هستند و با توجه به وضعیت های مختلف متفاوت خواهند بود. به عبارت دیگر ممکن است سیاست پولی یا ارزی بانک مرکزی در دو زمان مختلف یکسان باشد اما سیاست ارتباطی آن با توجه به شرایط زمانی، متفاوت می شود. در این راستا لازم است کمیته ای متشکل از صاحب نظران پولی و ارزی در کنار خبرگان ارتباطی در بانک مرکزی تشکیل شود تا متناسب با شرایط و سیاست های اتخاذ شده توسط بانک مرکزی، راهبرد ارتباطی نیز مشخص و در چند لایه و متناسب با مخاطبین خاص هر لایه ارائه گردد.

۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله ها

- ۱) آذربایجانی، مسعود، سالاری فر، محمدرضا و موسوی اصل، سیدمهدی و کاویانی، محمد و عباسی، اکبر و تیبیک، محمدتقی و غروی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، انتشارات سمت.
- ۲) باستانی فر، ایمان، ۱۳۹۴، «*تحلیل عوامل مؤثر بر شهرت مقام پولی در ایران*»، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۵۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۲۸۱-۳۰۴.
- ۳) گرجی، ابراهیم و شیما مدنی (۱۳۸۴)، «*بررسی و ارزیابی سیر تحول مکتب کلاسیک به نئوکلاسیک و سپس به کلاسیک جدید*». *کلاسیک ه ای جدید*، تا چه اندازه جدیدند؟»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، دانشگاه تهران، شماره ۷۰.
- ۴) بانک اطلاعات سری های زمانی بانک مرکزی
- ۵) پاک سرشت سلیمان، حسینی حاتم، اینانلو مینا، ۱۳۹۱، *تحلیل تماتیک رفتارهای بدنی در بین دختران و زنان تهرانی*، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۸، شماره ۲۸، از صفحه ۱۴۷ تا صفحه ۱۶۹.
- ۶) سالواتوره، دومینیک، ۱۳۸۹، «*مالیه بین الملل*»، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی.
- ۷) محمد پور، احمد، ۱۳۹۲، *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲*، تهران، نشر جامعه شناسان.



۸) محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۸۷)، روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، تهران: گنجینه علوم انسانی.

۶-۲- منابع لاتین

Articles

1. Barro, R.J. & Gordan, D.B. (1983). Rules, Discretion and Reputation, In a Model of Monetary Policy, *Journal of Monetary Economics*, 12, 101-121.
2. Bordo, M.D. & Siklos, P.L. (2014). Central Bank Credibility and Reputation: An Historical Exploration, Presented at the Norges Bank Conference.
3. Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage. 107(2), 203-216.
4. Bubic, A., von Cramon, D. Y., & Schubotz, R. I. (2010). Prediction, Cognition and the Brain. *Frontiers in Human Neuroscience*, 4, 25. <http://doi.org/10.3389/fnhum.2010.00025>
5. Cabral, L.M.B. (2005). The Economics of Trust and Reputation: A Primer, New York University and CEPR, Available at www.stern.nyu.edu.
6. DOĞAN, M. Kadir and BOZDEMİR, Gülcan, (2014), The Effects of Credibility on Interest Rates in Turkey, *Eurasian Journal of Business and Economics*, 7 (14), 71-90.
7. Hwang, In Do, (2018), Central Bank Reputation and Inflation-Unemployment Performance: Empirical Evidence from an Executive Survey of 62 Countries (May 29, 2018). Bank of Korea WP 2018-14. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3186281> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3186281>
8. Güler, Ash, 2021, Does Monetary Policy Credibility Help in Anchoring Inflation Expectations? Evidence from Six Inflation Targeting Emerging Economies, *Journal of Central Banking Theory and Practice*, 2021, 1, pp. 93-111
9. Kahneman D, Slovic P, Tversky A eds (1983): *Judgment under uncertainty: heuristics and biases*, Cambridge University Press.
10. Kydland, F. & Prescott, C.E. (1977). Rules Rather Than Discretion, the Inconsistency of Optimal Plans, *Political Economy*, 85(3), 473-492.
11. Loisel, O. (2008). Central bank reputation in a forward-looking model, *Economic Dynamics & Control*, 32, 3718-3742.
12. Lucas, Robert E. and Prescott, Edward C, Investment Under Uncertainty, *Econometrica*, Vol. 39, No. 5. (Sep., 1971), pp. 659-681.
13. Matlin, Margaret W., 2012, *Cognition*, Eighth Edition, Wiley publishing
14. Mendonça, H.F and Souza, GG, (2009). Inflation targeting credibility and reputation: The consequences for the interest rate, *Economic Modeling*, 26, 1228-1238.



15. Mishkin, Frederic, S, 2011 Monetary Policy Strategy, MIT university Press.
16. Montes, Gabriel Caldas and Ferreira, Caio Ferrari,(2020), Does monetary policy credibility mitigate the fear of floating?, Economic Modelling, Volume 84, Pages 76-87.
17. Muth, J. F. (1961): "Rational Expectations and the Theory of Price Movements," *Econometrica*, 29, 315-335.
18. P. D. Cagan , The Monetary Dynamics of Hyperinflation, in Milton Friedman (Editor), *Studies in the Quantity Theory of Money*, Chicago: University of Chicago Press, 1956.
19. Coibion, Olivier and Gorodnichenko, Yuriy and Kumar, Saten and Pedemonte, Mathieu, (2018), "INFLATION EXPECTATIONS AS A POLICY TOOL?", NATIONAL BUREAU OF ECONOMIC RESEARCH, Working Paper 24788
20. Sibert, A. (2003). Monetary Policy Committees: Individual and Collective Reputations, *Review of Economic Studies*, 70, 649-665.
21. Tabellini, G. (2005). Finn Kydland and Edward Prescott's Contribution to the Theory of Macroeconomic Policy, *Scand, Journal of Economics*, 107(2), 203-216.
22. Tabellini, G. (2005). Finn Kydland and Edward Prescott's Contribution to the Theory of Macroeconomic Policy, *Scand, Journal of Economics*,
23. Woodford, Michael, 2005, Central Bank Communication and Policy Effectiveness, NBER Working Paper No. 11898.
24. www.cbi.ir
25. www.isna.ir
26. www.farsnews.ir
27. www.dolat.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

